

فاجعه حلبچه، سندی از هزاران سند جنایات سیستم سرمایه‌داری جهانی است!

بهرام رحمانی
bamdadpress@ownit.nu

حلبچه سال‌هاست که در سوگ عزیزان از دست رفته خود می‌سوزد. ترمیم زخم عیقمی که بر پیکر حلبچه وارد شده است بی‌شک نسل‌ها طول خواهد کشید. حلبچه، یادآور هیروشیما و ناکازاکی است. آمریکا در جنگ جهانی دوم، در یک اقدامی هولناک برای اولین بار در تاریخ بشر، بمب اتمی خود بر روی مردم شهرهای ناکازاکی و هیروشیما پرتاب کرد. اکثریت مردم این شهرها زنده زنده در میان فریاد و ضجه‌های دردناک و دلخراش سوختند و آن‌هایی هم که زنده ماندند دنیایی از درد و رنج و بیماری‌ها را با خود حمل می‌کردند.

همچنین در بمباران حلبچه، ده‌ها تن از پیشمرگان کومه‌له، که در واحدی به نام «گردان شوان» سازمان‌دهی شده بودند، جان باختند.

هر انسانی که به فاجعه حلبچه فکر می‌کند پس از گذشت سال‌ها هنوز هم صدای ضجه کودکان، مادران، پدران و هر جانداری را در گوشش حس می‌کند. بنابراین، فاجعه حلبچه، سندی از هزاران سند جنایات سیستم سرمایه‌داری جهانی است!



روز هفتم ژوئن ۱۹۸۱ برابر با ۱۷ خرداد ۱۳۶۰ در بحبوحه جنگ عراق و ایران، جنگنده بمب‌افکن‌های نیروی هوایی اسرائیل در یک عملیات برنامه‌ریزی شده و دقیق موسوم به «عملیات بابل»، راکتور هسته‌ای «اوزیراک» عراق را با موشک‌های هدایت‌شونده مورد حمله قرار دادند. سپس با ایجاد حفره در راکتور، بمب‌های دو هزار پوندی را به روی مرکز راکتور انداختند و آن را برای همیشه متلاشی کردند. خسارت وارده آن‌قدر عظیم بود که راکتور هسته‌ای اوزیراک نابود شد و غیرقابل بازسازی اعلام گردید. دولت عراق، سال‌ها با مخفی‌کاری توانسته بود ساخت راکتور اوزیراک توسط فرانسه را به مرحله پیشرفته‌ای برساند.

این اقدام اسرائیل، خشم دولت‌های عربی را برانگیخت. اسرائیل، یکی از کشورهای منطقه است که علاوه بر اشغال بیش از پنج دهه فلسطین و هجوم پی‌درپی به لبنان، دارای سلاح هسته‌ای نیز هست. این کشور، در واقع مهم‌ترین پایگاه و دژ نظامی آمریکا محسوب می‌شود و بزرگ‌ترین زرادخانه نظامی را دارد.

از سوی دیگر، دولت وقت عراق، با خرید مواد شیمیایی از شرکت‌های آمریکایی، هلندی و آلمانی غربی و... ساخت کارخانجات تولید سموم کشاورزی و حشره‌کش در شهرهای سامرا و فلوجه گسترش داده بود. ده‌ها شرکت و کنسرسیوم آلمانی و غیره در این بخش از صنایع شیمیایی عراق فعالیت می‌کردند. همچنین کارخانجات موسوم به تولید مواد شیمیایی آفت‌کش، پوششی برای تولید ایپریت (گاز خردل)، تابون، اسید پروسیک و سیانور هیدروژن بود.

این گازها به حدی عصبی‌کننده و خفه‌کننده است که جان فرد گرفتار شده را در میان دردهای شدید و سوزناک در مدت زمان کوتاهی می‌گیرد.

در این دوره از جنگ ایران و عراق، تسخیر شهر هفتاد هزار نفری حلبچه، برای حکومت اسلامی مهم و یک پیشروی استراتژیک به شمار می‌رفت. برخی از نیروهای کردستان عراق و از جمله گروه‌های مذهبی حلبچه با حکومت اسلامی در این جنگ همکاری می‌کردند. نزدیک شهر خوش آب و هوای حلبچه، دریاچه‌ای به نام به دریاچه سد دربندیخان قرار دارد که نیروهای ایرانی قصد داشتند این سد را بشکنند. اگر نیروهای ایرانی موفق به شکستن این سد می‌شدند چهار میلیارد متر مکعب آب پشت این سد استان‌های دیالی و بغداد و چند استان دیگر عراق را زیر آب می‌برد.

صدام حسین، رییس جمهوری وقت عراق که از همکاری برخی گروه‌های کرد کردستان عراق و همچنین گروه‌های مذهبی با ایران خشمگین بود، فرمان جانیانه قتل‌عام مردم حلبچه را صادر کرد.

حلبچه در ۱۵-۱۰ کیلومتری مرز ایران و ۲۲۵ کیلومتری شمال شرقی بغداد واقع شده است که در جریان جنگ خانمانسوز ایران و عراق، در تاریخ ۱۵ مارس ۱۹۸۸ میلادی برابر با ۲۵ اسفند سال ۱۳۶۶ توسط حکومت بعث عراق و در عملیاتی موسوم به انفال (نسل‌کشی) بمباران شیمیایی شد. پنجاه فروند هواپیمای ارتش دولت عراق که هر یک چهار بمب شیمیایی به وزن ۵۰۰ کیلوگرم محتوی گازهای عصبی‌کننده و خفه‌کننده مرگبار سارین، تابون و خردل داشتند، برای اولین بار حلبچه را بمباران شیمیایی کردند.

بمباران شیمیایی حلبچه وسیع‌ترین مورد استفاده از جنگ افزارهای شیمیایی از زمان جنگ جهانی اول تاکنون بوده است. در این جنایت ضدانسانی تاریخی، بیش از ۵۰۰۰ انسان غیرنظامی با پیکرهایی تاول‌زده و کبود شده قتل‌عام شدند. حدود ۷۰۰۰ نفر نیز مادام‌العمر معیوب و فلج شدند. همچنین فضای حلبچه و اطراف آن، به حدی آلوده و مرگبار بود که بر روی ساکنان این منطقه تاثیر مخربی گذاشته است.

از پیر و جوان تا کودکان، همه موجودات زنده بوی مرگ، نیستی و نابودی گرفتند. هر کس فریاد می‌کشید و در پی پناهگاهی می‌گشت. نفس کشیدن غیرممکن شده بود و در میان فشارهای عصبی نابودکننده، به سرعت صدای فریادها به شیون و ناله و به خاموشی گراییدند.

بنا به اظهار کارشناسان، کاربرد نظامی این گاز به تاول زایی و مرگ با درد و رنج ناشی از آن مربوط می‌شود. عوارض درونی آن که هفت مرتبه از هوا سنگین‌تر است، به تخریب سریع شش‌ها و مسمومیت خون می‌انجامد. استنشاق آن در ۱۰ دقیقه مرگ و خفگی در برخواهد داشت.

سرلشکر وفیق سامرایی، رییس پیشین استخبارات (اطلاعات) نظامی عراق، در مورد بمباران شیمیایی گفته است: «جنایتی که در حلبچه اتفاق افتاد، توسط ۵۰ فروند جنگنده عراقی صورت گرفت. محموله هر یک از این جنگنده‌ها چهار بمب شیمیایی بود. این حمله به دستور صدام انجام شد.»

فرماندهانی که دستور صدام را مبنی بر بمباران شیمیایی حلبچه اجرا کردند، فرماندهان نیروی هوایی، سرلشکر حمید شعبان، معاون فرماندهی عملیات، سرلشکر ستاد سالم سلطان البصو و فرماندهان دیگر بودند. اما خلبانان پنجاه نفر بودند و همه آنان کاملاً اطلاع داشتند که هواپیماهایشان حاوی بمب‌های شیمیایی است. صدام حسین، قبل از فاجعه حلبچه نیز از سلاح‌های شیمیایی در مناطق دیگر عراق در شمال و جنوب این کشور، و همچنین در جنگ ایران و عراق، در ابعاد محدودتر و کوچک‌تر استفاده کرده بود.

در مورد کشتار مردم حق‌طلب کرد، در کشورهای ایران، عراق، سوریه و ترکیه آمارها و گزارشات تکان‌دهنده‌ای منتشر شده است. در یک آماري آمده است که شمار کشته‌شدگان عملیات نسل‌کشی کردها توسط حکومت حزب بعث عراق، بالغ بر ۱۸۲۰۰۰ نفر بوده است.

انعکاس فاجعه حلبچه در رسانه‌های بین‌المللی

ابعاد جنایت عراق در حلبچه، به حدی وحشیانه بود که برای نمونه، روزنامه انگلیسی «گاردین»، بمباران شیمیایی حلبچه را بزرگ‌ترین جنایت جنگی عراق در طول هشت سال جنگ ایران و عراق معرفی کرد و نوشت: «دو انگیزه باعث این عمل وقیحانه شد، یکی ضربه زدن به نیروهای ایرانی در حال پیشروی و دیگری سرکوبی اقلیت مورد غضب کرد.»

بی‌بی‌سی، رادیو دولتی انگلستان در ۱۳۶۷/۱/۶، گزارش داد: یک دکتر بلژیکی و یک دکتر هلندی از سازمان بهداشت بین‌المللی موسوم به پزشکان بدون مرز و یک متخصص مسایل شیمیایی به اتفاق آرا تایید کردند که در حلبچه و مناطق اطراف آن علیه مردم غیرنظامی از سلاح‌های شیمیایی استفاده شده است.

خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۷/۱/۱۲ اعلام کرد: «حلبچه شهری از کردستان عراق که به تصرف ایران در آمده و طی روزهای ۲۷ و ۲۸ اسفند ماه توسط عراق بمباران شیمیایی شده، منجمد و ساکن در خوابی عمیق فرو رفته است.» نیویورک تایمز آمریکا، در ۱۳۶۷/۱/۱۶ نوشت: «این عمل از هر جهت و به هر مفهوم یک جنایت جنگی است که با انکارهای سست و رسمی عراق و عذر و بهانه‌های غیررسمی در مورد استفاده از یک سلاح ناجوانمردانه در آمیخته است.»

نقش «فرانس فان آنرات»، در تسلیح شیمیایی عراق

در این بمباران و فاجعه جنگی، معامله‌گر هلندی «فرانس فان آنرات» که تحویل‌دهنده مواد خام محصولات شیمیایی به عراق بوده، نقش کلیدی داشته است.

فان آنرات، از بازرگانان هلندی بود که متهم به فروش مواد سمی برای تولید جنگ‌افزار شیمیایی به دولت صدام بوده است. وی، پس از دستگیری در سال ۱۹۸۹ میلادی، به عراق گریخت و تا پایان حکومت حزب بعث، یعنی به مدت ۱۴ سال در آنجا زندگی کرد. فان آنرات، پس از سرنگونی حکومت حزب بعث با حمله نظامی آمریکا و انگلستان و... در سال ۲۰۰۳ به هلند بازگشت و در ششم دسامبر ۲۰۰۴ پس از ۱۶ سال که از فاجعه حلبچه و دیگر فجایع شیمیایی صدام حسین می‌گذشت، به جرم دست داشتن در جرایم جنگی و نسل‌کشی دستگیر و در دادگستری لاهه به ۱۵ سال حبس محکوم شد. بنابراین، این فقط صدام و دیگر اعضای دولت‌اش نبودند که در این فاجعه عظیم نقش داشتند، بلکه دولت‌های کشورهای هم‌چون آمریکا، فرانسه، هلند، آلمان غربی و... نیز بیش‌ترین زرادخانه‌ها و تولید سلاح‌های شیمیایی و هسته‌ای جهان را دارا هستند، از جمله برای کشور عراق بودند.

براساس گزارش‌های منتشر شده، عراق با خرید مواد شیمیایی از آمریکا، آلمان غربی، هلند و با کمک کارشناسان آلمانی موفق شد چندین تن گاز اعصاب در هر هفته تولید کند. بنابراین، هر چند که فرانس فان آنرات، درباره تسلیح شیمیایی عراق مورد محاکمه قرار گرفت و محکوم گردید گامی مثبت است. اما، در این موارد و بسیار از موارد دیگر، به ویژه در عرصه تولید و تسلیح دولت‌های دیکتاتوری، دولت‌های به اصطلاح دمکراتیک و پیشرفته جهان، نقش اساسی ایفاء می‌کنند. سازمان ملل نیز به ویژه در دو دهه اخیر، به ابزاری در دست این دولت‌ها، برای محاصره اقتصادی و یا حمله نظامی به کشورهای که منافع‌شان ایجاب می‌کند، تبدیل شده است.

تاریخچه استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی شیمیایی

تاریخچه استفاده از سلاح شیمیایی، یک تاریخچه قدیمی است. قبل از جنگ جهانی اول در سال ۱۷۶۳ میلادی، آمریکایی‌ها سلاح شیمیایی را علیه سرخپوستان که صاحبان اصلی سرزمین آمریکا بودند، به کار گرفتند.

در جنگ جهانی اول، در سال ۱۹۱۵ میلادی سلاح شیمیایی از سوی نیروهای آلمانی به کار گرفته شد و سپس دیگر کشورها استفاده از آن را در برنامه‌های جنگی خود گنجانده.

پس از جنگ جهانی دوم، انگلیسی‌ها در سال ۱۹۵۱ میلادی از ماده «فیتوتوکسین» در مالایا علیه استقلال‌طلبان این کشور استفاده کردند.

آمریکا در جنگ ویتنام، کامبوج و لانوس، مواد شیمیایی و میکروبی را به کار برد.

در سال ۱۹۷۵، ویتنامی‌ها مواد شیمیایی را در کامبوج علیه خمرهای سرخ، به کار بردند.

در سال ۱۹۷۹، ارتش شوروی (سابق)، در اشغال افغانستان از این گونه سلاح‌ها استفاده کرد.

حکومت نژادپرست آفریقای جنوبی، در ۸ مارس ۱۹۸۲ میلادی از یک نوع ماده سمی علیه نیروهای سواپو در نامیبیا استفاده کرد.

در سال ۱۹۹۵ میلادی - ۱۳۷۴ خورشیدی، گروه تروریستی «آیوم شینریکیو» گاز «سارین» را که یک گاز اعصاب است، در متروی توکیو ژاپن به کار برد...

تلاش برای خلع سلاح

اولین تلاش‌ها برای اعمال ممنوعیت استفاده از جنگ‌افزارهای شیمیایی و بیولوژیک در اعلامیه‌های ۱۸۶۸ سن پترزبورگ، ۱۸۷۴ بروکسل و ۱۸۹۸ لاهه نمایان شد، اما هیچ‌کدام از آن‌ها به تنظیم یک معاهده بین‌المللی نینجامید. سرانجام در سال ۱۹۰۷، یک معاهده بین‌المللی که از نظر حقوقی تعهدآور بود تنظیم شد. با شروع جنگ جهانی اول، کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه نتوانست از وقوع جنگ شیمیایی ممانعت کند. کاربرد جنگ‌افزارهای شیمیایی کشورها را به امضای پروتکل ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ ژنو درباره منع کاربرد جنگ‌افزارهای شیمیایی و بیولوژیک وادار کرد، اما این پروتکل، توسعه، تولید یا ذخیره‌سازی جنگ‌افزارهای شیمیایی و بیولوژیک را منع نکرد.

استفاده از سلاح‌های شیمیایی، مکانیسم‌های کنترل و پیش‌گیری بسیار ضعیف‌تر اعمال می‌شوند. اقدام بین‌المللی برای منع به کارگیری چنین سلاح‌هایی مشخصاً در ابتدای سال ۱۹۲۵ آغاز شد. اکثریت کشورهای جهان در این سال، پروتکل منع به کارگیری سلاح‌های خفه‌کننده، سمی و دیگر سلاح‌های ایجادکننده گازهای شیمیایی و میکروبیولوژی را امضاء کردند. سلاح‌های شیمیایی و میکروبی به عنوان سلاح‌های «کشتار جمعی» معروفند و این از نظر در رده بمب‌های هسته‌ای قرار دارند. اولین سلاح شیمیایی که در جنگ به کار رفت، ماده «گاز کلرین» را در خود داشت. گاز کلرین باعث تخریب و سوزاندن بافت ریه می‌شود. کلرین ماده‌ای که امروزه اغلب در سیستم‌های تصفیه آب از آن برای کشتن باکتری‌ها استفاده می‌کنند. این ماده را به آسانی می‌توان از نمک خوراکی به دست آورد. در جنگ جهانی اول، ارتش آلمان، هزاران کیلو از این گاز را برای ایجاد ابری که باد آن را بر فراز نیروهای دشمن ببرد، استفاده کرد.

در ۱۶ دسامبر ۱۹۱۷، مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه منع، توسعه، تولید و انباشت جنگ افزارهای میکربی و سمی و نابودسازی آنها را تصویب کرد.

در ۱۱ نوامبر ۱۹۸۷، سازمان ملل قطعنامه‌ای در مورد جنگ افزارهای شیمیایی به تصویب رساند. این کنوانسیون دارای يك مقدمه، ۲۴ ماده و ۳ متن پیوست است و دبیرکل سازمان ملل، دبیر این کنوانسیون است. تهیه و تنظیم فنی کنوانسیون مزبور قریب ۲۴ سال به درازا انجامید و مذاکرات تدوین آن در ماه ژوئن ۱۹۹۲ در کنفرانس خلع سلاح پایان پذیرفت. سپس طی قطعنامه‌ای در اجلاس چهل و هفتم مجمع عمومی سازمان ملل به اتفاق آرا به تصویب رسید.

با وجود همه توافقات و پروتکل‌های مصوبه جوامع بین‌المللی و پذیرش دولت‌ها، هنوز هم تولید و صدور سلاح‌های کشتار جمعی، یکی از منابع مهم کسب سود شرکت‌ها و دولت‌هاست. از این رو، مسلم است تا روزی که یک جنبش قدرت‌مند بین‌المللی گسترده و اجتماعی مخالف جنگ و سلاح‌های کشتار جمعی شیمیایی و هسته‌ای راه نیافتد و خواهان نابودی سلاح‌ها و حتی کارخانه‌های تولیدکننده این سلاح‌ها نشوند، سخت است که بتوان تصور کرد دولت‌ها به این معاهده‌هایی که خود امضاء کرده‌اند پایبند باشند. فقط با جنبش‌های اجتماعی که در آن، فعالین جنبش کارگری سوسیالیستی نقش رهبری‌کننده و سازمان‌دهنده داشته باشند بی‌شک تحمیل این خواست نیز بر دولت‌ها هم عملی و هم امکان‌پذیر است.

جان‌باختگان گردان شوان

روزهای ۲۶ و ۲۷ اسفند ماه ۱۳۶۷، جمعی از رفقای پیشمرگ کومله (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) در گردان شوان، به دنبال حمله شیمیایی حکومت بعث عراق و درگیری نابرابر با نیروهای حکومت اسلامی در منطقه حلبچه، همراه با ۵ هزار انسان بی‌گناه جان باختند.

هر سال کمیته مرکزی کومله، به مناسبت گرامی‌داشت یاد جان‌باختگان حلبچه، مراسم‌های با شکوهی را بر سر مزار این جان‌باختگان، با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جان‌باختگان راه آزادی و سوسیالیسم برگزار می‌کند و سپس رفقای از مرکزی کومله به همین مناسبت سخنانی را ایراد می‌کنند. مراسم با تجدید پیمان به ادامه راه و آرمان رفقای گردان شوان و تمامی جان‌باختگان راه آزادی و سوسیالیسم برگزار می‌شود.

در واقع ۲۷ اسفند ماه، یکی از روزهایی است که خاطره جان‌باختگان گردان شوان و کلیه جان‌باختگان راه آزادی و سوسیالیسم با تاکید به مبارزه پیگیر سوسیالیستی بر علیه سرمایه‌داری گرامی داشته می‌شود.

در مورد حماسه‌ها و قهرمانی‌های گردان شوان، در جنگ‌های نابرابر پیشمرگان کومله با نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی در دفاع از کارگران و مردم حق‌طلب کردستان، باید بیش‌تر نوشت و در سخن گفت. نیروی پیشمرگ و در پیشاپیش آن گردان شوان، سمبل و نماد مبارزه مسلحانه یک جریان سوسیالیستی با سیستم سرمایه‌داری و حکومت حامی آن است. کومله، یک جنبش کمونیستی اجتماعی است که نیروی مسلح آن نیز بازوی قدرت‌مند جنبش کارگری کمونیستی است. و در این سال‌ها، نه تنها یک قدم از آرمان‌های سوسیالیستی که گردان شوان و بسیاری از پیشمرگان کومله بر سر آن جان‌باخته‌اند عقب‌نشینی نکرده است، بلکه با شفاف‌تر کردن سیاست‌های کارگری کمونیستی خود عزم کرده است که تا نابودی سرمایه‌داری و برقراری یک جامعه نوین کمونیستی از پای ننشینند. مسلماً، بهترین گرامی‌داشت رفقای جان‌باخته گردان شوان، تعمیق هر چه بیش‌تر مبارزه طبقاتی بر علیه سرمایه‌داری و در راه آزادی و سوسیالیسم است. مبارزه جان‌باختگان گردان شوان را باید در ادامه راه کمونیست‌ها در تاریخ علیه سرمایه‌داری محسوب می‌شود.

یاد کلیه انسان‌های بی‌گناهی که فارغ از هر نژاد و زبان و باوری، در فاجعه تاریخی حلبچه، جان باختند گرامی باد!